

به نام خدا

تأثیر توانمند سازی روانشناختی بر سرزندگی تحصیلی دانش آموزان

مولفان :

مریم شیرزادی

سودابه شیروانی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: شیرزادی، مریم، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور: تاثیر توانمندسازی روانشناختی بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان/
مولفان مریم شیرزادی، سودابه شیروانی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۹۹ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۰۴-۸-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: معلمان -- روابط با شاگردان -- جنبه‌های روان‌شناسی
Teacher-student relationships -- Psychological aspects
شاگردان -- روان‌شناسی
Students -- Psychology
شناسه افزوده: شیروانی، سودابه، ۱۳۴۵-
رده بندی کنگره: LB۱۰۳۳
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۱۵۳۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تاثیر توانمندسازی روانشناختی بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان
مولفان: مریم شیرزادی - سودابه شیروانی
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۰۴-۸-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
مقدمه.....	۵
بیان مسئله.....	۱۰
مبانی نظری و پیشینه پژوهش.....	۱۹
مبانی نظری.....	۱۹
توانمند سازی روانشناختی.....	۱۹
مدل های توانمندسازی.....	۲۸
ابعاد توانمندسازی روانشناختی.....	۳۰
توانمندسازی معلمان.....	۳۴
حل مساله.....	۳۵
خودآگاهی.....	۴۹
خودایده آل.....	۵۵
پیشینه پژوهش.....	۶۳
پیشینه داخلی.....	۶۳
پیشینه خارجی.....	۷۰
فهرست منابع.....	۸۳
منابع فارسی.....	۱۳
منابع خارجی.....	۹۰

مقدمه

بسیاری از سازمان‌های آموزشی تصور نادرستی درباره نیروی انسانی خود دارند. کم نیستند معلمانی که از دانش بالایی برخوردارند، ولی بهره لازم از توانایی‌های آن‌ها برده نمی‌شود. شاید یکی از عوامل مهم در به وجود آمدن این مشکل، عدم توجه به توانمندی‌های معلمان توسط مدیران باشد که منجر به ناامیدی و عدم نگهداشت آنان در شغلشان می‌شود (فریر و فرناندس^۱، ۲۰۱۶). توانمندسازی روان‌شناختی به معنی آزاد کردن نیروها و قدرت درونی افراد و همچنین، فراهم کردن بسترها و به وجود آوردن فرصت‌ها برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و شایستگی‌های افراد است (کندو، کومار و گهلوات^۲، ۲۰۱۹). توانمندسازی روان‌شناختی با پرورش احساس کفایت نفس و به وجود آوردن آزادی عمل برای افراد این فرصت را به وجود خواهد آورد تا توانایی‌ها و مهارت‌ها را بهبود و موجبات اثربخشی سازمانی را فراهم گردند و از طرفی با پرورش افرادی با انگیزه و توانا به مدیران امکان خواهد داد تا در برابر پویای محیط رقابتی از خود عکس العمل سریع و مناسب‌تر نشان دهند (ارغند و آقائی رشوندی، ۱۳۹۶). لی و نای^۳ (۲۰۱۷) توانمندسازی روان‌شناختی را عنصر مهمی در دستیابی به نتایج عالی شغلی عنوان کردند. چنانچه معلمان احساس توانمندی و شایستگی کنند، منافع سازمانی و فردی متعددی از قبیل خلاقیت، انعطاف پذیری، حل مسئله، عملکرد شغلی با کیفیت خوب، رضایت شغلی، سلامت و بهداشت روانی را در بر خواهد داشت (لی و نای، ۲۰۱۷). یکی از مهم‌ترین نتایجی که توانمندسازی معلمان به ویژه توانمندسازی روان‌شناختی آنان می‌تواند به همراه داشته باشد افزایش میزان خودکارآمدی^۴ آنان در شغل است. بر طبق

1. Freire & Fernandes

2. Kundu, Kumar & Gahlawat

3. Lee & Nie

4. Self-efficacy

نظریه‌ی شناختی-اجتماعی^۱ بندورا^۲ (۱۹۷۴) عقاید خودکارآمدی به اعتقاد افراد در مورد توانی‌هایشان برای اجرای موفقیت‌آمیز یک عمل خاص اطلاق می‌گردد (سیف، ۱۴۰۰). در زمینه‌های آموزشی، تحقیقات نشان داده است که عقاید خودکارآمدی دانش‌آموزان نقش مهم و تأثیرگذاری بر یادگیری و رفتار آن‌ها دارد، در عین حال باور محققان در نقش حس خودکارآمدی معلمان در به دست دادن نتایج مهم برای دانش‌آموزان و معلمان رو به افزایش است (موریس، آشر و چن^۳، ۲۰۱۷)؛ محققان بر این باورند که خودکارآمدی معلمان بر یادگیری و انگیزه دانش‌آموزان تأثیر دارد (سواری و فرزادی، ۱۳۹۶) و تحقیقات نشان داده است که خودکارآمدی معلمان تأثیر بسزایی بر باور معلمان در مورد تدریس و رفتارهای آموزشی آن‌ها دارد (بواسحاقی، حاجی یخچالی و مروتی، ۱۳۹۵) و معلمان با سطوح کمتر خودکارآمدی، مشکلات بیشتری در تدریس، میزان کمتری از رضایت شغلی و میزان بیشتری از استرس مربوط به کار را تجربه می‌کنند؛ با این وجود معلمان با میزان بالای حس خودکارآمدی شغلی معتقدند که مهارت‌های بالای شخصی و فنی آن‌ها به عنوان معلم می‌تواند نتایج مثبتی در عملکرد دانش‌آموزان داشته باشد و حتی می‌تواند بر اثرات بالقوه محیطی غلبه نماید (پولو، ردی و دودک^۴، ۲۰۱۹).

به نظر می‌رسد یکی از عوامل بهبود توانمندسازی روانشناختی و به تبع آن افزایش خودکارآمدی شغلی معلمان در سازمان، دلگرم کردن آن‌ها باشد که به وسیله این آموزش‌ها، بر نقاط قوت و محاسن کاری و ارتباطی آنان تأکید می‌شود و اعتماد به نفس کاری را در آنان به وجود می‌آورد؛ همچنین دلگرمی به معلمان کمک می‌کند تا به خود و توانایی‌هایشان اعتقاد پیدا کنند (زارع و مهمان نوزان، ۲۰۱۵). دلگرم‌سازی همه آن چیزی است که یک شخص انجام می‌دهد تا شخصی دیگر احساس بهتر، عملکرد مفیدتر، اعتماد به نفس بیشتر و رغبت بالاتری برای مشارکت در امر سلامت دیگران و جامعه

1. Cognitive-social theory

2. Bandura

3. Morris, Usher & Chen

4. Poulou, Reddy & Dudek

داشته باشد (وانگ^۱، ۲۰۱۵). دلگرمی اعتماد شخصی و ادراک فرد از خود را نیرو می‌بخشد و در نتیجه کلیدی برای رشد و پرورش شخصی است؛ و مفهومی کلیدی در ارتقاء و فعال سازی علاقه اجتماعی افراد است؛ بنابراین آموزش خوددلگرم سازی به معلمان به افزایش شهامت و احساس کفایت بالاتر منجر می‌شود و به فرد کمک می‌کند روش‌های مؤثری برای مقابله با مشکلات و کاهش تنش جسمانی و شکایات روانشناختی بیابد. علاوه بر آثار فردی، از دیگر اثرات این آموزش می‌توان به افزایش جراتمندی، بهبود روابط و افزایش تعاملات درون سازمانی و برون سازمانی اشاره کرد که در نهایت زمینه‌ای برای خودکارآمدی شغلی فرد فراهم می‌کند (سهرابی، در تاج و عظیمی، ۱۳۹۹).

یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش به‌عنوان رکن اساسی جامعه تربیت کودکان و نوجوانان سازگار با محیط است سازگاری و هماهنگ شدن با خود و محیط پیرامون خود برای هر موجود زنده‌ای ضرورتی حیاتی است، تلاش روزمره آدمیان جملگی بر حول سازگاری دور می‌زند. هر انسان هوشیارانه یا نا هوشیارانه می‌کوشد، نیازهای متنوع و گاه متعارض خود را در محیطی که در آن زندگی می‌کند، برآورده سازد. سازگاری توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنار آمدن با خود، محیط و دیگران تعریف شده است (ساقی و رجایی، ۱۳۸۷). برای متصدیان تعلیم و تربیت همیشه جای تأمل وجود داشته است که چرا برخی دانش‌آموزان نمی‌توانند خود را با محیط آموزشی و سطح انتظارات ناشی از محیط آموزشی سازگار کنند؟ چرا برخی از دانش‌آموزان در امر تحصیل سازگارند و برخی ناسازگار؟ چرا برخی از دانش‌آموزان تقلب می‌کنند و برخی نه؟ چرا برخی از دانش‌آموزان دچار مشکلات رفتاری، آموزشی و بین فردی می‌شوند؟ مشکلات ناسازگاری موضوع روز بوده و رابطه‌ی مستقیمی با افزایش فشارهای عاطفی و هیجانی و بروز مشکلات جدید دارد (میلانی فر، ۱۳۹۲). انسان در گستره‌ی زندگی مسیر پرفرازونشیبی را طی می‌کند که سرشار از چالش‌ها و فرصت‌هاست و در برخورد با چالش‌ها از توانمندی‌هایش بهره می‌گیرد تا با موقعیت‌های مختلف و چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از آن سازگار شود (کار (۱۹۳۴)، ترجمه‌ی شریفی و نجفی زند، ۱۳۸۵).

بخش قابل توجهی از چالش‌های زندگی مربوط به چالش‌های تحصیلی در دوران تحصیل (نمرات ضعیف، استرس، تهدید اعتمادبه‌نفس، کاهش انگیزش و ...) می‌باشد. از این رو سازگاری و انطباق دانش‌آموزان با این فشارها و چالش در بهینه کردن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان اهمیت ویژه‌ای دارد. سرزندگی تحصیلی به‌عنوان یکی از جنبه‌های سازگاری دانش‌آموزان با فشارها و چالش‌های تحصیلی همواره مورد توجه دانشمندان تعلیم و تربیت قرار گرفته است؛ در زندگی روزانه مدرسه، دانش‌آموزان با چالش‌ها، موانع و فشارهای خاص این دوره روبرو هستند. برخی از دانش‌آموزان در مقابله با این موانع و چالش‌ها موفق، اما برخی دیگر در این زمینه ناموفق هستند. از این رو درک و چگونگی سازگاری با چالش‌های تحصیلی باید مورد توجه جدی پژوهشگران تعلیم و تربیت قرار بگیرد. از جمله توانمندی‌هایی که در سازگاری تحصیلی یادگیرندگان مورد توجه قرار گرفته، سرزندگی تحصیلی است (اورنگ و رحیمی اورنگ، ۱۳۹۵) سرزندگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی در بسیاری از سیستم‌های تحقیقاتی در نظر گرفته می‌شود. اهمیت توجه به آن مسئله تا حدی است که امروزه در مورد بهزیستی ذهنی شاخص‌های ملی تهیه می‌شود و آن قدر این مسئله اهمیت دارد که هر کشور یک شاخص بهزیستی ذهنی را برای جامعه خود ساخته است (مارتین^۱، ۲۰۱۴) سرزندگی به‌عنوان حسی آشنا معرفی شده است که تاریخچه‌ی آن مربوط به مکاتب سلامت روانی است. به اعتقاد (رایان و فردریک^۲، ۱۹۹۷) سرزندگی تحصیلی انرژی نشایت گرفته از خود فرد است و این انرژی از منابع درونی و نه تهدید اشخاص در محیط، نشئت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، سرزندگی احساس سرزنده بودن، نه تحریک و نه اجبار دادن آن است. در واقع سرزندگی بازتاب سلامت روان شناختی و جسمی است (دیوژنز^۳، ۲۰۱۱).

با توجه به اینکه دانش‌آموزان بالای ۱۸-۱۵ سال در محیط آموزشی قرار دارند، بهتر است که پیشایندها یا عوامل تأثیرگذار بر روی ظرفیت دانش‌آموزان در برخورد با چالش‌های تحصیلی که موجب سرزندگی است، شناسایی شوند پیشایندهای سرزندگی

1. Martin

2. Ryan and Frederick

3. Diogenes

تحصیلی درسه سطح مختلف روانی، عوامل مربوط به مدرسه و مشارکت در فرایند تحصیل و عوامل مربوط به خانواده و همسالان مورد توجه قرار گرفته است. (مارتین و مارش^۱، ۲۰۰۸) دانش‌آموزان در طول دوره تحصیلی خود با مسائل و مشکلات مختلف تحصیلی و غیرتحصیلی روبه‌رو می‌شوند که مستلزم وجود رقابت، تلاش و کشمکش است. واضح است که بعضی مشکلات ساده و کوچکنند و گاهی نیز بسیار پیچیده و بزرگند. بعضی افراد با کوچکترین مسئله دچار آشفتگی و ناراحتی می‌شوند و در مقابل ناملایمات آسیب می‌بینند و امکان ابتلا به بیماری‌های روانی و حتی جسمانی در آنان زیاد است. در واقع نکته مهم این است که وجود مشکل در زندگی طبیعی بوده و هنر زندگی در میزان توانایی مقابله با مسائل و حل آن‌ها و یا کنار آمدن با مشکلات است. مهم این نیست که در زندگی انسان با مشکل، مسئله، دردسر و گرفتاری روبرو نشود، بلکه مهم آنست که هنگام ایجاد مشکل بتواند به درستی آن را حل کند (نیک پرور فرد، ۱۳۹۵)؛ بنابراین مهارت حل مسأله یکی از مهارت‌های اساسی زندگی است که یادگیری آن به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در موقعیت‌های مختلف با بکارگیری آن راهبردهای اصولی را جهت تسهیل مسائل خود اتخاذ کنند (شیخ الاسلامی و امیدوار، ۱۳۹۶). روانشناسان معتقدند وقتی فرد با تکلیفی روبرو می‌شود که نمی‌تواند از طریق کاربرد اطلاعات و مهارت‌هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت یا تکلیف سریعاً پاسخ دهد، در واقع او با مسئله‌ای روبرو شده است (کازدین^۲، ۲۰۱۷). در آموزش و پرورش، حل مسأله یکی از اهداف مهم آموزشی معلمان به شمار می‌آمده است؛ در واقع معلمان و متصدیان آموزشی در مدارس تلاش می‌کنند تا دانش‌آموزان در برخورد با مسائل مختلف به صورت ساختاریافته و هدفمند به رفع مسائل بپردازند و از راه‌حل‌های هیجانی و غیرمنطقی خودداری کنند (احمدیان، ۱۴۰۰). برنامه آموزش مهارت‌های خود آگاهی رویکرد تازه‌ای برای پیشگیری است که در وهله اول بر عوامل عمده فردی و روانی سوق دهنده فرد به تنیدگی‌ها تمرکز دارد و تأکید عمده این برنامه بر ارتقاء

1. Martin & Marsh
2. Kazdin

مهارت‌های شخصی و هیجانی و اجتماعی است. خودآگاهی توانایی شناخت خود، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، ترس‌ها، انزجارها است، افرادی که دارای خودآگاهی هستند، احساس‌های خود را شناسایی می‌کنند و از آنها آگاه شده و این احساس‌ها را مهار می‌کنند، از نقاط ضعف و نقاط قوت خود آگاه می‌شوند و با تکیه بر نقاط قوت، نقاط ضعف خود را کاهش می‌دهند (سواری و شانچی، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش رحمانی و خلعتبری (۱۳۹۸) و احمدیان (۱۴۰۰) حاکی از اثربخشی و معناداری آموزش مهارت‌های خودآگاهی بر انگیزش پیشرفت، تنظیم هیجان، تاب آوری و کنترل تکانه دانش‌آموزان می‌باشد.

بیان مسئله

توانمندسازی^۱ فرایندی است که مدیران قدرت را با دیگران تقسیم می‌کنند و به آن‌ها کمک می‌کنند که از قدرت درست استفاده کنند و تصمیمات مؤثری در کار خود بگیرند (مرداپی و هاروان^۲، ۲۰۱۹). اسپریتزر^۳، معتقد است قبل از هر اقدامی باید کارکنان خود را از لحاظ روانی توانمند ساخت؛ یعنی توانمندسازی به احساس مؤثر بودن، احساس داشتن حق انتخاب، احساس شایستگی، احساس معنادار بودن تأکید دارد. توانمندسازی معلمان یک ویژگی برای یک مدرسه موفق می‌باشد. توانمندسازی معلمان از مسئولیت جمعی برای مدارس و اعتماد به ارزش‌های مدرسه به عنوان یک جامعه یادگیرنده (هم برای بزرگسالان و هم دانش‌آموزان) حمایت می‌کند. زمانی که معلمان احساس توانمندی بیشتری کنند با اعتماد به نفس بیشتری قادر به تدریس خواهند کرد و دانش‌آموزان هم بیشتر پذیرای روش‌های تدریس آن‌ها می‌باشند (پرابها^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). از بین مولفه‌های توانمندسازی، توانمندسازی روانشناختی به جهت ایجاد انگیزش و عزت نفس در معلمان از اهمیت بالایی برخوردار است.

1. Empowerment
2. Mardapi & Herawan
3. Spreitzer
4. Prabha

توانمندسازی روانشناختی^۱، به عنوان سازه‌ای انگیزشی مطرح می‌باشد و دارای چهار بعد معناداری، شایستگی، خود تصمیم‌گیری و اثرگذاری است. این ابعاد شناختی باعث هدفمندی نسبت به کار می‌شود (اسپریتزر، ۱۹۹۵؛ به نقل از زندکریمی و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به اهمیت قابل ملاحظه تدریس مؤثر در جامعه معاصر و نیاز افراد به مهارت و دانش بیشتر برای بقا، معلم باید علاوه بر دانش و توانمندی لازم، انگیزه کافی هم داشته باشد تا بتواند مهارت‌های خود را بکار گیرد (کیانی بهادرخان، ۱۳۹۶). در این میان، فراهم سازی بستر توانمندسازی به عنوان یک سازه انگیزشی این امکان را به معلمان می‌دهد که عزت نفس خود را پرورش دهند و احساس بی‌قدرتی در آن‌ها کاهش پیدا کند، آن‌ها در این حالت برای مسئولیت پذیری و تصمیم‌گیری درباره شغل خود تشویق می‌شوند (قائمی و صدفی فرد، ۲۰۱۶). توانمندسازی روانشناختی معلمان در محیط‌های آموزشی موجب می‌شود که مدارس بتوانند شایستگی‌های خود را توسعه دهند، مشکلات خود را رفع کنند و از آن برای ادامه فعالیت‌های خود نیرو بگیرند (لی و نای^۲، ۲۰۱۷). مطالعات نشان می‌دهد توانمندسازی کارکنان باعث افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، افزایش اثربخشی، افزایش تعهد به سازمان، حل اثربخشی مشکلات و هماهنگی بیشتر در کارها می‌شود (مرادیانی گیلانی و زردشتیان، ۱۳۹۹). شغل معلمی متناسب با ماهیت خود با تنیدگی‌های زیادی همراه است (نصیری زرین قبائی و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از منابع سازمانی این استرس‌ها که شناخت آن در کمک به توانمندسازی روانشناختی معلمان اهمیت دارد، خودکارآمدی شغلی می‌باشد که می‌تواند تسهیل کننده امور آموزشی و تربیتی و اداری مدارس و نیز پیش‌بینی کننده اثربخشی فعالیت‌های مدارس باشد و باعث اجرای برنامه‌ها به صورت علمی و کارشناسانه و پرهیز از اعمال غیر مدبرانه گردد (حبیبی و همایینی دمیرچی، ۱۳۹۴).

سرزندگی تحصیلی یکی از شاخص‌های مهم که بر تربیت و یادگیری ثمربخش و موفقیت‌آمیز فرد تأثیر می‌گذارد و در آنچه لیاقت‌ها و توانایی‌ها به بار می‌نشیند و

1. Psychological empowerment
2. Lee & Nie

پیشرفت‌های علمی حاصل می‌شود، اما در زندگی روزانه‌ی تحصیلی، دانش‌آموزان ممکن است با انواع چالش‌ها، موانع و فشارهای خاص این دوره (از جمله نمرات ضعیف، س روح استرس، تهدید اعتماد به نفس در نتیجه‌ی عملکرد، کاهش انگیزش و تعامل و...) مواجه می‌شوند که بر سرزندگی تحصیلی آن‌ها تأثیرات منفی بر جای می‌گذارد. برخی از دانش‌آموزان در مقابله با این موانع و چالش‌ها ناکام هستند، اما گروه دیگری از دانش‌آموزان شکست می‌خورند. گروهی از دانش‌آموزانی که نتوانند با این موانع روبرو شوند، در مدرسه کمی سرگرم‌کننده هستند و عملکرد تحصیلی ضعیف، سایش مدرسه و غیره را نشان می‌دهند؛ بنابراین، توجه به عوامل مؤثر در افزایش سرزندگی تحصیلی یکی از اساسی‌ترین موضوعات است. پژوهش‌های (کامفورد، باتسون، فرومی^۱، ۲۰۱۵) و (میلر، کانلی، مگوایر^۲، ۲۰۱۳) حاکی از اهمیت سرزندگی تحصیلی در جامعه دانش‌آموزی است. به‌طور کلی در پژوهش‌های مختلف عوامل مؤثر بر سرزندگی تحصیلی در سه بعد عوامل خانواده و همسالان، «مدرسه و مشارکت» و «روانی» در نظر گرفته می‌شود (شیخ‌الاسلامی، کریمیان پور، ۱۳۹۷). شور و شوق تحصیلی مقدار انرژی است که یادگیرنده برای تحصیلات خود و همچنین اثربخشی و کارایی حاصل از آن خرج می‌کند (قدم پور، فرهادی، نقی بیرانوند، ۱۳۹۵). نیومن، والگ، لامبورن^۳ (۱۹۹۲) آن‌ها شور و اشتیاق تحصیلی را به‌عنوان سرمایه روانی دانش‌آموزان و تلاش مستقیم آن‌ها برای یادگیری و کسب مهارت‌ها و اشتیاق برای ترویج موفقیت تعریف کرده‌اند که می‌تواند منجر به مشارکت مؤثر در فعالیت‌های مدرسه، حضور در فعالیت‌های کلاسی، تطبیق مبتنی بر مدرسه و یک رابطه خوب با معلمان و دیگر دانش‌آموزان شود (به نقل از علی صونی، پیری زیرکوهی، ۱۳۹۷).

در مدل اشتیاق تحصیلی رومبرگر و لارسون^۴ (۱۹۹۸) شور و اشتیاق تحصیلی دو مؤلفه از شور و اشتیاق آکادمیک و شور و شوق اجتماعی است که به سازگاری آکادمیک کمک

1. Comerforda, Battesonb & Tormey

2. Miller, Conley, Maguire

3. Newmann, Wehlage, Lamborn

4. Rumberger, Larson

می‌کند. در این مدل، شور و شوق اجتماعی توسط رفتارهایی همچون حضور در کلاس‌های درس، پذیرش مقررات و مشارکت فعال در امور مربوط به کلاس تعریف می‌شود و شور و شوق تحصیلی شامل نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و توانایی برآورده کردن انتظارات عملکرد هست. اشتیاق آکادمیک دارای سه بعد رفتاری (رفتارهای مثبت، آموزش، مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه مدرسه)، هیجانی (احساسات، علائق، ادراکات و نگرش نسبت به مدرسه) و شناختی (توانمندسازی روان‌شناختی دانش‌آموزان در یادگیری و به‌کارگیری راهبردهای خودتنظیمی) است (بلومنفلد و پاریس^۱، ۲۰۰۴) این نقش مهمی در موفقیت تحصیلی، ارتقا تحصیلی دانش‌آموزان و کاهش رفتارهای پرخطر در مدارس ایفا می‌کند. (جنیفر، فردریک^۲، ۲۰۱۵)؛ زیرا تعهد دانش‌آموز را نسبت به اهداف آموزشی و درگیری دانش‌آموز با تکالیف مربوطه را بیشتر می‌کند (مؤمنی، عباسی، پیرانی، بگیان کوله مرز، ۱۳۹۷).

حل‌مسأله به عنوان یک مهارت اساسی در عرصه‌های مختلف برای دانش‌آموزان لازم و ضروری است. این مهارت، فرایند فکری، منطقی و نظام‌مندی است که به دانش‌آموز کمک می‌کند تا هنگام رویارویی با مشکلات، راه‌حل‌های مختلفی جست و جو کند و سپس بهترین راه را برگزیند و به اجرا در آورد (رفیعی، ۱۳۹۸). با استفاده از حل‌مسأله دانش‌آموز یاد می‌گیرد در شرایط سخت زندگی، درست فکر کند و درست تصمیم بگیرد. این مهارت در بهبود رابطه‌های اجتماعی با همسالان و افزایش سازگاری در جامعه و خانواده نقش دارد (شیخ‌الاسلامی و امیدوار، ۱۳۹۶). دانش‌آموزانی که در حل مسائل به مهارت بیشتری دست پیدا می‌کنند، معمولاً توانایی خود را برای برقراری و حفظ روابط با همسالان و بزرگسالان بهبود می‌بخشند. این مهارت زمانی که در کنار خدمات حمایتی دیگر قرار گیرند، در اغلب موارد، بر اعتماد به نفس و رفتار کودک در مدرسه اثر مثبتی می‌گذارند (نوریتا، هستوتی و ساری^۳، ۲۰۱۷).

1. Blumenfeld, Paris

2. Jennifer A. Fredricks

3. Nurita, Hastuti & Sari

حل مسأله مهارت شناختی فوق العاده پیچیده‌ای است که در مقایسه با سایر فرایندهای شناختی نظیر زبان آموزی و تشکیل مفهوم، مستلزم سطوح بالاتری از پردازش اطلاعات است و معرف یکی از هوشمندانه ترین فعالیت‌های آدمی می‌باشد. حل مسأله سبب می‌شود که توجه، ادراک، حافظه و سایر فرایندهای پردازش اطلاعات، به شیوه‌ای هماهنگی برای دستیابی به هدف برانگیخته شوند (سیمامورا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). مطالعات متعددی نشان داده اند که مهارت حل مسأله رابطه‌ی مستقیم و معناداری با انگیزه‌ی تحصیلی افراد دارد و موفقیت تحصیلی بالا با استفاده از حل مسأله ارتباط دارد (برادران، محمدی پور و مهدیان، ۱۳۹۹). همچنین نتایج یافته‌های ونزل و ویگفیلد^۲ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که حل مسأله تاثیر مستقیم بر انگیزش تحصیلی دارد و خودارزیابی حل مسأله با مولفه‌ی انگیزش بیرونی ارتباط قوی و با مولفه‌ی بی انگیزشی ارتباطی ضعیف دارد.

در واقع، عملکرد دانش‌آموزان در حل مشکلات شان بستگی به اتخاذ یک روش منطقی در حل مسائل آنان دارد (کوردووا، دیاز، سیفوننتس، کانتیه و پالومینوس^۳، ۲۰۱۵). هر دانش آموزی بنا به ویژگی‌های روان شناختی و جامعه شناختی خود، روشی را برای حل مسأله‌هایی که با آنها روبرو می‌شود در پیش می‌گیرد که برخی از این روش‌ها کار آمد بوده و به پیشرفت او کمک می‌کند و برخی نیز هیچانی و غیر کار آمد بوده و فرد را از پیشرفت باز می‌دارد (آقایوسفی و شریف، ۱۳۹۰). لذا افزایش مهارت حل مسأله در دانش‌آموزان به ارتقای سطح کیفی آموزش و تربیت آنان کمک کرده و دانش‌آموزان را به استقلال و خودکفایی در حل مسایل روزمره زندگی می‌رساند؛ همچنین آن‌ها را جهت ورود به زندگی اجتماعی واقعی، نامتجانس و پیچیده داخل و خارج از مدرسه آماده می‌کند (غریبی و بهاری زر، ۱۳۹۴). در سازمان آموزش و پرورش معلمان جزء نیروی انسانی هستند که توجه به توانمندی آن‌ها حیاتی است؛ توانمندسازی معلم به عنوان فرصتی برای آزادی عمل، حق انتخاب، مسئولیت و مشارکت در تصمیم گیری آن‌ها در

1. Simamora

2. Wenzel & Wigfield

3. Cordova, Diaz, Cifuentes, Canete & Palominos

مدرسه تعریف می‌شود. معلمان زمانی باور می‌کنند توانمندی بیشتری دارند که فرصت‌هایی برای رشد و توسعه حرفه‌ای یادگیری مداوم و گسترش مهارت‌هایی برای زندگی کاری برایشان فراهم شود و بتوانند در موضوعاتی که مرتبط به خودشان است تصمیم بگیرند و احترام، تحسین حرفه‌ای از همکاران خود دریافت دارند که در نتیجه بتوانند در مدرسه‌ای که کار می‌کنند مؤثرتر عمل کنند (آبی حسن پور و غیورباغبانی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین توانمندسازی موضوع مهمی است که هم اکنون در بسیاری از سازمان‌های دولتی و خصوصی مورد توجه قرار گرفته که این امر در سازمان‌های آموزشی به ویژه آموزش و پرورش از اهمیت بیشتری برخوردار است.

توانمندسازی روان شناختی منابع انسانی، به عنوان یک رویکرد نوین انگیزش درونی شغل، به معنی آزاد کردن نیروهای درونی کارکنان و فراهم کردن بسترها و به وجود آوردن فرصت‌ها برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و شایستگی‌های افراد است. توانمندسازی روان شناختی با تغییر در باورها، افکار و طرز تلقی‌های کارکنان شروع می‌شود. بدین معنی که آن‌ها باید به این باور برسند که توانایی و شایستگی لازم را برای انجام وظایف، به طور موفقیت آمیز داشته و احساس کنند توانایی تأثیرگذاری و کنترل بر نتایج شغلی را دارند؛ احساس کنند که اهداف شغلی معنادار و ارزشمند را دنبال می‌کنند و باور داشته باشند که با آن‌ها صادقانه و منصفانه رفتار می‌شود (احمد^۱ و همکاران، ۲۰۱۶).

ضرورت مطالعه و چالش ذهنی این پژوهش از این واقعیت آغاز می‌شود که دستیابی به آینده‌ای مطلوب در نظام تعلیم و تربیت، مستلزم سلامت و توانمندسازی معلمان به ویژه توانمندسازی روانشناختی و حرفه‌ای آنان، متناسب با نیازهای دانش‌آموزان آینده، است. تربیت دانش‌آموزان آینده مستلزم آمادگی لازم معلمان در آموزش، تدریس و یادگیری انواع مهارت‌ها و دانش لازم در مواجهه با تغییرات پیش روست (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹). امروزه دانش‌آموزان حساس‌ترین قشر جامعه محسوب می‌شوند و به همین